

هنر عاشیقی مهمترین و غنی‌ترین شاخه ادبیات شفاهی مردم آذربایجان است. به تعبیری دیگر، اگر عاشیق‌ها نبودند، از فولکلور غنی آذربایجان به جز چیزهای پراکنده و کم‌محتوا، هیچ نمی‌ماند. عاشیق‌ها مردمی‌ترین هنرمندانی هستند که با ساز و آواز، اشعار و داستانهای خود، در غم و شادی مردم شریک می‌شوند. آمال و آرزوها، عادات و باورها، آداب و رسوم مذهبی و ملی مردم در طول سالیان دراز در هنر ارزشمند آنها انعکاس پیدا کرده است. عاشیق‌ها ماهیت اخلاقی و فلسفی معارف دینی را عمیقاً یاد گرفته و در اشعار و داستانهای خود به طرز استادانه‌ای بکار برده‌اند. مفاهیم دینی در رابطه با معجزات پیامبران، مضامین متنوع، احادیث و آیات قرآنی، شرح زندگی پیامبران و امامان و مواردی از این قبیل در اشعار آنها در فرمهای مختلف آمده است. عاشیق‌های استاد چون «عاشیق علچسگر»، «عاشیق قشم»، «خسته قاسیم» و دیگران در اشعار خود

به کرات به مفاهیم و مضامین مذهبی اشاره می‌کنند. آنها خود را «حق عاشیقی» و «الله عاشیقی» می‌نامند. در یک پژوهش تحت عنوان «بررسی تاثیر معارف دینی در ادبیات عاشیقی» که توسط آقای حمید سفیدگر شهانقی انجام شده، عاشیق‌های آذربایجان مورد بررسی قرار گرفتند. از آنجائیکه عاشیق‌ها به دو دسته «عاشیق‌های شاعر یا خلاق» و «عاشیق‌های غیرشاعر یا غیرخلاق» تقسیم می‌شوند و با توجه به فزونی «عاشیق‌های شاعر» بر «عاشیق‌های غیرشاعر» این دسته از عاشیق‌ها در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند که بالغ بر ۳۰ عاشیق را شامل می‌شود. مطالبی که در سطرهای بعدی مطالعه می‌فرمایید برگرفته‌ای از همین پژوهش است.

امروزه ثابت شده است که استعمار قبل از هرگونه هجوم فرهنگی، سعی می‌کند جامعه موردنظرش را به تخلیه فرهنگی بکشاند. برای جلوگیری از تخلیه فرهنگی، حفظ و تداوم فرهنگ اصیل مذهبی، ملی و قومی‌مان که عمیقاً با فرهنگ اسلامی عجین شده، ضروری است. فولکلور یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های اصالت فرهنگی محسوب می‌شود و هنر عاشیقی مهمترین و غنی‌ترین شاخه فولکلور آذربایجان است. معارف اسلامی مستتر در اشعار و داستانهای عاشیقی هیچوقت به صورت مشخص و واضح مورد بررسی قرار نگرفته است. برخلاف نظریاتی

که «عاشیق» را با تعابیر نارسا «نوازنده دوره‌گرد»، «خواننده دوره‌گرد»، «مطرب» و غیره می‌دانند، «عاشیق» هنرمندی است که در شاعری، آهنگسازی، نوازندگی، خوانندگی و داستان‌سرایی استادی دارد. اصولاً هنر عاشیقی الهام گرفته از مفاهیم عمیق دینی و مذهبی است. عاشیق در هر بند از شعر خود مضمونی دینی، عرفانی و اخلاقی را به شنوندگان خود یادآور می‌شود. او عمیقاً به مسائل دینی و موضوعات عرفانی و انسانی آشنا بوده و آیات قرآنی و احادیث پیامبر اسلام و ائمه اطهار به ویژه حضرت علی (ع) را با زبانی ساده و عامه‌فهم در قالب اشعاری دلنشین بیان می‌دارد.

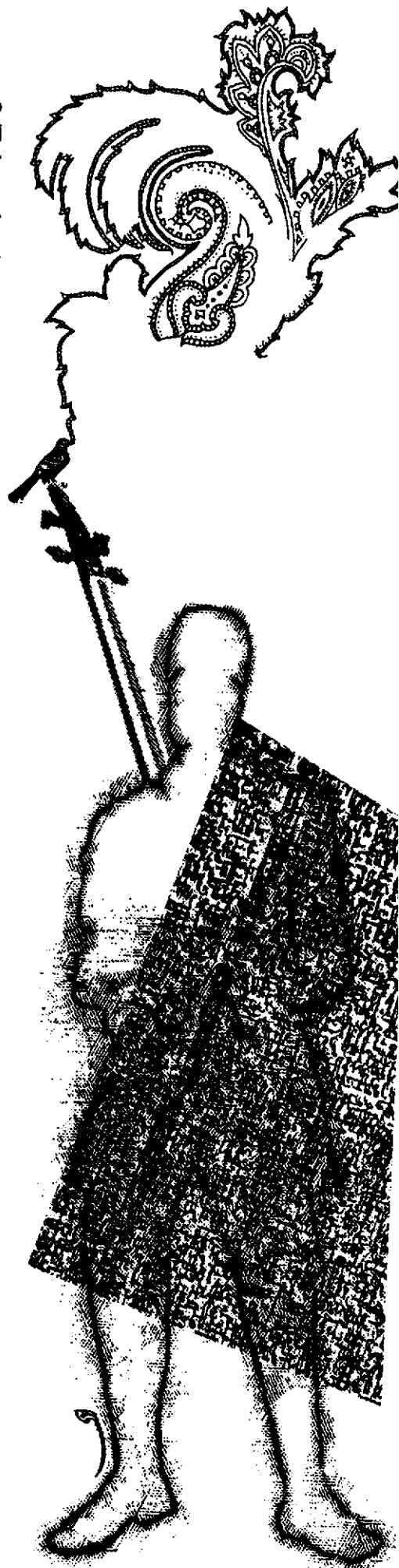
## ادبیات عاشیقی

### ۱- عاشیق کیست؟

بسیاری «عاشیق» را شکل آذربایجانی کلمه «عاشق» عربی می‌دانند که در لهجه آذربایجانی به شکل «عاشیق» گفته می‌شود. اما «محمدحسن تهماسب» عقیده دارد: «ریشه "عاشیق" (أشیق) واژه "آش" است که دیگر در ترکی امروز به کار نمی‌رود. مصدر اشیلاماق (Asilamag) به معنی تلقین کردن، تزریق کردن، از همین ریشه هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد.» این پژوهشگر فولکلور آذربایجان معتقد است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# ادبیات عاشیقی را دریابیم



«کلمه "اشوله" در زبان ترکی از یکی به مفهوم ترانه و آهنگ است و "اشوله‌چی" به معنای خواننده با واژه "عاشیق" (اشیق) از یک ریشه هستند.»

عاشیق‌ها در طول تاریخ به اسامی مختلفی چون "وارساق"، "ایشیق"، "اوزان" و "تساق" شناخته می‌شده‌اند. بعضی از محققین فولکلور ملل ترک به این نتیجه رسیده‌اند که «عاشیق» برگرفته از کلمه ترکی "ایشیق" به مفهوم نور و روشنائی است.

عاشیق‌ها در میان اقوام مختلف ترک زبان به عناوین و اسامی مختلفی نامیده می‌شوند. در ترکمن صحرا و جمهوری ترکمنستان "باغشی" و در ازبکستان "باخشی"، "بخشی" و "جیرچی" در ترکیه، آذربایجان و ایران "عاشیق" نامیده می‌شود.

در هر صورت عاشیق هنرمندی است که شعر می‌گوید، آهنگ می‌سازد، می‌نوازد و می‌خواند. عاشیق‌ها در میان اجداد آذربایجانی‌های امروزی یعنی «اوغوز»‌ها ارج و منزلتی بسزا داشته‌اند.

«اوغوزها به "قوپوز" (Qopuz) - سلف "ساز" (Saz) امروزی آذربایجانی - حرمت می‌نهادند، آنچنانکه اگر از کسی در حالی که "قوپوز" در دست داشته، خطایی درخور مرگ سر می‌زد، به احترام "قوپوز" از او درمی‌گذشتند. در داستان دهم از کتاب "دده قورقورد"، "اغراق" برادرش را خفته می‌یابد و "قوپوز" او را از بالینش برمی‌دارد. "سغرق" بیدار می‌شود و می‌خواهد برادر را با

شمشیر از پای درآورد (دو برادر پیشتر همدیگر را ندیده‌اند) ولی چون "قوپوز" را در دست او می‌بیند، می‌گوید: «من ترا نمی‌کشم، چرا که این بی‌احترامی به "قوپوز" دده قورقورد" است. اگر "قوپوز" در دستت نبود، با شمشیر دو نیمه‌ات می‌کردم.» وقتی "ساز" را آن حریم و حرمت باشد، پیدااست که "عاشیق" نیز منزلتی خاص در بین مردم خواهد داشت. عاشیق‌ها به گواهی آثار و گفته‌هایشان از آگاهترین و عالم‌ترین مردمان روزگار خود بوده و هستند. برخی از آنها به زبانهای عربی و فارسی نیز تسلط کافی داشته و از این زبانها در اشعار خود به کرات استفاده کرده‌اند.

"عاشیق عزیز شهنازی" از عاشیق‌های متاخر تبریز در وصف "عاشیق" چنین می‌سراید:

عاشیق گره‌ک عارف اول، سوزقانا  
بیلیکده بنزه‌یه بحر عمانا  
طریقت‌له، شریعت‌له، ارکانا  
وارد اولسان، آختاریول، اوندان دانیش  
عاشیق باید، عارف باشد و راز آشنا  
در علم و دانش دریای عمان باشد  
اول به ارکان دین و شریعت و طریقت  
آشنا شده و بعداً حرف بزند  
همین شاعر در جای دیگر می‌گوید:  
فیکری بودرو، اولاً شادلیق همیشه  
سوزگذدیریب وور ماز ارانی عاشیق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

حسین حسینی نثار

فکر عاشیق همه این است که همیشه شادی باشد او هیچوقت سخن چینی نکرده "دوبهمنی" نمی‌کند

بدین ترتیب درمی‌یابیم «عاشیق» هنرمندی است آگاه و عالم به مسایل دینی و احکام شرعی، انسانی پاکدامن و مورد احترام و حرمت همه مردم، که در غمها و شادی‌های آنها شریک است. او همیشه خواهان شادی و جشن و سرور است و جشنها و عروسی‌ها بی‌وجود او رونقی ندارد.

#### ۲- موسیقی عاشیقی:

موسیقی بخش محوری هنر عاشیقی است. «ساز» در اغلب مناطق آذربایجان تنها آلت موسیقی عاشیقی به‌شمار می‌رود اما در منطقه «تبریز - قره‌داغ» دو نوازنده دیگر با «بالایان» و «قاوال» عاشیق را در ارائه هنر خود یاری می‌کنند.

بر اساس گفته‌های عاشیق‌های استاد، موسیقی عاشیقی ۷۲-۷۳ آهنگ دارد. اما این تعداد با گذشت زمان از طرف عاشیق‌های دیگر زیاد شده و امروزه به ۱۳۰-۱۴۰ آهنگ رسیده است. بعضی از این آهنگ‌ها در یک منطقه خاص مشهور بوده و در آنجا بیشتر ایفاء می‌شوند. به عنوان مثال آهنگ «مُخمس» عاشیق‌های تبریز، در آذربایجان غربی با نام «دستان» مشهور است. هر عاشیقی ساز خود را هماهنگ با تن صدای خود کوک می‌کند. بدین صورت که اگر صدایش «زیل» باشد آن را «زیل» و اگر صدایش «بیم» باشد آن را «بیم» کوک می‌کند. لازم به ذکر است که «بیم» نواختن و «زیل» خواندن و یا برعکس «زیل» نواختن و «بیم» خواندن در میان عاشیق‌ها مردود شمرده می‌شود.

آهنگ‌های موسیقی عاشیقی به سه گروه تقسیم می‌شود که هر گروه ویژگی‌های خاص خود را دارد:

۱- یوخاری‌هاوالار (آهنگ‌های بالا) - این آهنگ‌ها از پرده چهارم به بالا نواخته می‌شوند. اینها نوازنده را خسته نمی‌کنند.

۲- اورتا‌هاوالار (آهنگ‌های میانه) - این آهنگ‌ها مابین شاه‌پرده بالا (پرده چهارم) و شاه‌پرده میانی (پرده نهم) نواخته می‌شوند.

۳- اشاغی‌هاوالار (آهنگ‌های پایین) - این آهنگ‌ها در پرده‌های پایین‌تر از شاه‌پرده میانی نواخته

می‌شوند. اینها به علت زیل بودن باعث خستگی نوازنده می‌شوند.

#### ۳- داستانهای عاشیقی:

داستانهای عاشیقی بر اساس موضوع خود به دو دسته «داستانهای قهرمانی و حماسی» و «داستانهای محبت» تقسیم می‌شوند. از داستانهای قهرمانی می‌توان به داستانهای «کور اوغلو»، «قاچاق‌نبی»، «قاچاق کرم»، «شاه‌اسماعیل و عرب‌زنگی» و غیره اشاره کرد. از داستانهای محبت نیز می‌توان از داستانهای «اصلی و کرم»، «عباس و گولگز»، «ظاهر و زهره»، «عاشیق غریب و شاه‌صنم»، «غلام‌حیدر» و غیره نام برد.

داستانهای عاشیقی به دو شکل نظم و نثر بیان می‌شوند. عاشیق‌ها بخشهای نثر داستان را روایت کرده و قسمتهای نظم آن را در آهنگ‌های مختلف با ساز و آواز می‌خوانند. هر دو بخش داستانها با هم مرتبط هستند و عموماً گفتگوهای مابین شخصیت‌های داستان به صورت نظم است. در این شعرها شخصیتها، اتفاقاتی را که برایشان افتاده، وضعیت روحی، احساسات و هیجانات خود را بازگو می‌کنند.

داستانها معمولاً در عروسی‌ها، جشن‌ها، قهوه‌خانه‌ها و مجالس گفته می‌شوند. گاه دو عاشیق به کمک هم به نقل داستان می‌پردازند و هرکدام به جای یکی از شخصیتها، قسمتهای نظم را با ساز و آواز می‌خوانند.

در داستانهای عاشیقی به یک باور دینی به نام «بوتاوثرمک» (Buta vermak) برمی‌خوریم و «بوتاوثرمک» بدین معنی است که «حضرت علی (ع) یا «حضرت خضر (ع)» (در داستانهای قبل از اسلام حضرت خضر (ع) و در داستانهای بعد از اسلام حضرت علی (ع) در لباس درویشی و با سیمایی نورانی به خواب قهرمان داستان آمده و دختری را نشان داده، می‌فرمایند: «فرزندم، او را به تو و ترا به او نامزد کردم، مشقات زیادی خواهید کشید ولی در پایان به همدیگر خواهید رسید.»

کسی که چنین خوابی می‌بیند بعد از بیدار شدن به کلی تغییر می‌کند. در قلب او نوری می‌درخشد، او عاشق و شیفته شده و بطور ناگهانی «عاشیق» می‌شود. «ساز» را به زیبایی تمام می‌نوازد، آواز می‌خواند، بداهتاً

شعر می‌سراید و خلاصه به همه رموز هنر عاشیقی واقف می‌گردد. به علاوه از ضمیر انسانها آگاه می‌شود، به رازهای مگو آشنا می‌گردد، از حوادث تاریخی، جریانات و سرگذشت حاکمان، پیامبران و مسایل دینی باخبر می‌گردد. از این دسته عاشیق‌ها می‌توان از «عاشیق قوربانی»، «عاشیق عباس توفارقانلی»، «عاشیق غریب» و غیره نام برد.

در خلال جریانات داستانها، مسایل دینی و اخلاقی زیادی بیان می‌شود و عاشیق‌ها با توجه به قدرت بیان و خوانندگی و نوازندگی خود سعی در القای خصوصیات متعالی قهرمانان داستان به شنوندگان را دارند.

#### ۴- ویژگی‌های کلی شعر عاشیقی:

شعر عاشیقی علیرغم فرم و شکل ساده‌اش مفاهیم عمیق فلسفی، دینی، انسانی، احساسی، اجتماعی و گاه بنا بر نیاز زمان و محیط، مفاهیم سیاسی را در خود پرورانده است. برای نمونه می‌توان به نوعی شعر از شعر عاشیقی اشاره کرد که بر اساس «حروف» نهاده شده است. این نوع شعر برگرفته از فلسفه نهضت «حروفی‌گری» است که توسط شاعر مبارز و عارف بزرگ «نعیمی» و به دنبال او «عمادالدین نسیمی» بنیاد شده است.

«دکتر جواد هیئت» پژوهشگر فرهنگ و فولکلور آذربایجان، ویژگی‌های عاشیق‌ها و شعر عاشیقی را به شکل زیر بیان می‌کند:

۱- عاشیق‌ها، نوازنده «ساز» و شاعرانی هستند که شعرهایشان را با آواز می‌خوانند.

۲- شاعر ساز (عاشیق)، عموماً شعرهای خود را با اوزان هجائی سروده‌اند.

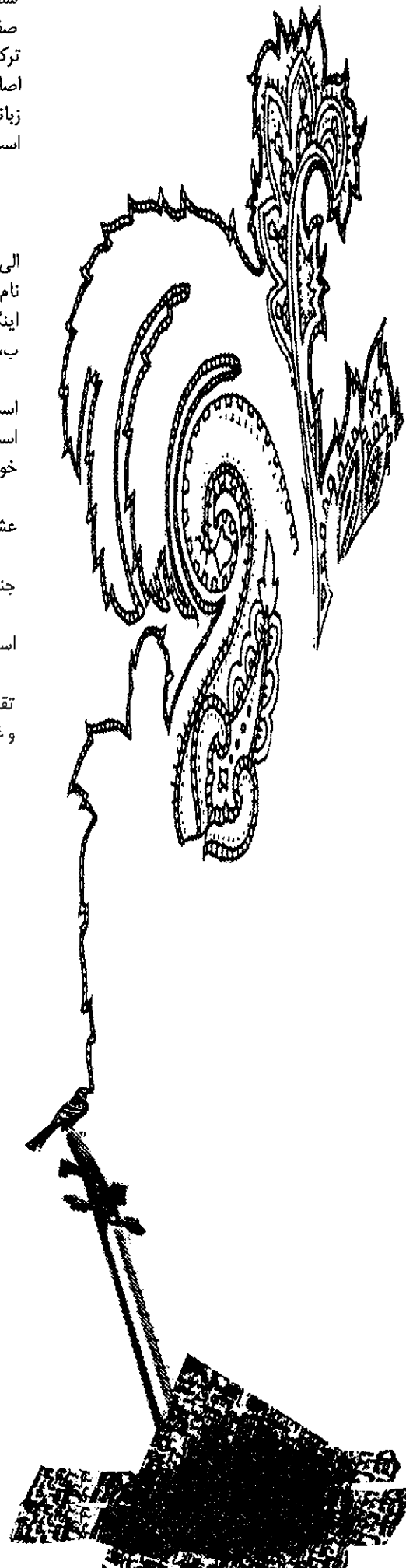
۳- زبان شعری آنها سلیس و نسبتاً ترکی خالص است.

۴- عاشیق‌ها شعر و موسیقی را یک اثر واحد می‌دانند و هنگام سرودن شعر، آهنگ آنرا نیز می‌سازند.

۵- عاشیق‌ها اشعار خود و دیگر عاشیق‌ها را در بین مردم انتشار می‌دهند.

۶- در شعر عاشیقی، آرزوها، امیدها، زندگی و معیشت، جهان‌بینی، مبارزه و گاه مسایل دینی به شکل بدیعی منعکس می‌شود.

درخشانترین دوره تاریخی شعر عاشیقی، دوره



سلطنت شاه اسماعیل صفوی است. توجه شاه اسماعیل صفوی (متخلص به ختائی) به گسترش شعر و ادب ترکی باعث شد شعر عاشیقی که از نظر موسیقی و زبان اصالت بیشتری داشت، متداول شود. این اصالت پیامد زبانی ساده، روشن و در عین حال زیبا و وزنی هجائی است.

انواع شعر عاشیقی:

۴-۱- قوشما (Qosma)

قوشما رایج ترین شعر عاشیقی است. هر قوشما ۳ الی ۶ بند و هر بند دارای چهار مصرع است. در بند آخر نام شاعر می آید. هر مصرع ۱۱ هجا است و قافیه‌ها اینگونه می آیند: آ-ب-و-ب، ق-ق-ب، د-د-د-ب، و...

قوشما به مثابه «غزل» در شعر و ادبیات مکتوب است. به مصرع‌هایی که «قافیه اصلی» در آن آمده است، «باغلاما» گفته می‌شود. قوشما بر اساس مضامین خود به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف - گوزهل لمه (Gozallama) - که موضوع آن عشق، محبت، احساسات عاطفی و غیره است.

ب - قوچاقلاما (Qosaqlama) - که موضوع آن جنگ، شجاعت و قهرمانی است.

ج - آغی (Agi) - که مضمون آن عزا و ماتم و مرگ است.

قوشماها از لحاظ فرم و شکل نیز به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند، مثل «قوشایاریاق»، «گوللو»، «آیاقلی» و غیره.

یک بند از یک نمونه قوشمای «قوشایاریاق»:

ای وطن، قویوندا ازلدن منی

بسله دین ایستکلی آنالارکیمی

قان آغلارام سندن دوستشم ایراغا

آنادان آیریلان بالالارکیمی

ای وطن از ازل مرا در آغوش خویش پروردی

چون مادران مهربان

خون می‌گیریم اگر از تو جدا شوم

چون کودکانی که از مادر خود دور می‌افتند

«عاشیق عزیز شهنازی»

۴-۲- گرایلی (Garayli):

اینگونه شعر عاشیقی بین ۳ تا ۷ بند است و هر بند

از چهار مصرع هشت هجائی تشکیل می‌شود. قافیه‌ها و ردیف‌ها همانند قوشما است. گرایلی از نظر موسیقی روانترین و رقصانترین وزن و آهنگ را دارد.

یک بند از یک نمونه‌ی این نوع شعر عاشیقی:

«قشم» گلیب زیارته

اجازه‌وئر، غریب آغا

قوی یئتیشسین سعادتته

اجازه‌وئر، غریب آغا

«قشم» به زیارت آمده است

اجازه بده امام غریب

یگذار او نیز به سعادت برسد

اجازه بده امام غریب

«عاشیق قشم جعفری»

۴-۳- تجنیس (Tajnis):

در این نوع شعر قافیه‌ها از جناس برخوردارند. تجنیس اوج قابلیت و مهارت و استادی عاشیق به‌شمار می‌آید. در این نوع شعر مفاهیمی عمیق و در عین حال معماگونه بکار گرفته می‌شود. در تجنیس آنچه بیشتر مدنظر است آرایه‌های ادبی و صنایع لفظی در شعر است. عاشیق‌ها در مقابله و رویارویی با همدیگر برای به‌زانو درآوردن حریف بیشتر به این نوع شعر می‌پردازند.

اساتید ادبیات عاشیقی چون «خسته قاسیم»، «عاشیق علسگر»، «عباس توفارقانلی»، «عاشیق قشم» و دیگران در این نوع شعرها نشان عمق دانسته‌های علمی، تاریخی، ادبی و اجتماعی خود را نشان داده‌اند. برای آزمون یک عاشیق کافی است از او شعر تجنیس خواسته شود.

یک بند از یک نمونه شعر تجنیس:

بیرگوزهلین جمالینا مایلم

نه مدت دیرگوزهل مندهن یا بینیر

من قوربانام آغ اوزونده اوخالا

زنخدانین شعله گاهی یایی نور

مفتون جمال دلبری هستم

که مدت‌هاست از من گریزان است

فدای آن خالی شوم که بر چهره سفید اوست

و شعله‌گاه زنخدانش که نور می‌افشاند

«خسته قاسیم»

استادنامه‌ها شامل پند و نصیحت، تشویق به خوبی، عقل، کمال و فضایل انسانی است. در این نوع شعر به بی‌اعتباری و ناپایداری دنیا، ماندگاری نام نیک پرداخته می‌شود و با مثال آوردن پادشاهان و فرمانروایان گذشته چون «قارون»، «سلیمان»، «اسکندر» و غیره مردم به پرهیز از حرص و طمع نسبت به مال دنیا دعوت می‌شوند. اغلب موضوعات دینی و عرفانی در این نوع شعر عاشیقی انعکاس پیدا می‌کند. استادنامه‌ها پیش از آغاز داستان توسط عاشیق‌ها با ساز و آواز خوانده می‌شوند و این خود اهمیت این نوع شعر را در نزد عاشیق‌ها معلوم می‌دارد.

یک بند از یک نمونه شعر استادنامه:

یوزایلده اولاسان بیرباغا باغبان

اگر صد سال هم باغبان باغی باشی

آخر سرانجامی باغ سنه قالماز

سرانجام باغ برای تو نمی‌ماند

نه جان قالار حسدی نین ایچینده

نه جان در جسدت ماندگار می‌شود

نه ده کی جسدین ساغ سنه قالماز

نه جسمت سالم می‌ماند

«عاشیق صمد»

۴-۵- دنیشمه (Deyisma):

دنیشمه به نوعی شعر از شعر عاشیقی گفته می‌شود که به شکل سوال و جواب یا گفت و گو و مناظره باشد. در این شعر مهارت، علم و استعداد عاشیق‌ها محک زده می‌شود. در مجالس بزرگ و در مقابل تعداد زیادی از مردم عاشیق‌ها به مناظره می‌پردازند. در ابتدای کار عاشیق‌ها شرط می‌بندند که طرف بازنده، سازش را تحویل داده و حتی دیگر به عاشیقی نپردازد. سپس با ساز و آواز سؤالاتی از همدیگر (به نوبت) می‌کنند. در این نوع شعر کسی برنده از میدان خارج می‌شود که اولاً نسبت به مسائل دینی، تاریخی، ادبی، اجتماعی و مسائل متفرقه آگاهی بیشتری داشته باشد و ثانیاً بتواند بدهاتاً معلومات خود را به شکل شعر، آن هم با ردیف و قافیه و وزن شعر طرف مقابل بیان کند.

یک نمونه از مناظره بین عاشیق‌ها «خسته قاسیم»

و «لزگی احمد»:

خسته قاسیم:

اوکیمدیرکی، اوتوزوندا جواندیر

اون بئشینده قوجالانی اولودور

اونه دیرکی دیلی آیری، سوزوبیر

اوهانسی دریادیر ایچی دولودور؟

آن چیست که سی روزهاش جوان است

ولی پانزده روزهاش پیر و بزرگ

آن چیست که زبانش شکافته، اما حرفش یکی است

آن کدام دریاست که پر و انباشته است؟

لزگی احمد:

او، آی دیرکی، اوتوزوندا جواندیر

اون بئشینده قوجالانی اولودور

اوقلم دیر، دیلی آیری، سوزوبیر

علم دریاسی هر دریادان دولودور

آن ماه است که در سی روزگی جوان است

و در پانزده روزگی اش پیر و بزرگتر

آن قلم است که زبانش شکافته اما حرفش یکی است

و دریای دانش از هر دریای پرت‌تر است

۴-۶- مخمس (Muxammas):

هر بند از این نوع شعر ۵ مصرع دارد. هر مصرع از

۱۶ هجا تشکیل می‌شود. گاه برای اینکه مصرعها با

توجه به ۱۶ هجائی بودنشان عاشیق را خسته نکنند و

هنگام خواندن نفس گیر نباشند، آنها را به دو قسمت

تقسیم می‌کنند. بدین ترتیب هر بند دارای ۱۰ مصرع

می‌شود. «ملاجمه» بزرگترین استاد شعر مخمس است.

یک نمونه از مخمس‌های او:

ناگهان گوردو گوزوم

سن تکی انسانی پری

حوری سن، ملکه سن

جنتین غلمانی پری

پارالار مرهمی سن

دردلرین درمانی پری

گوزه لر سرداری سان

محبوب لار خانی پری

شاه کیمی تخته چیخیب

آنده رسن دیوانی پری

ناگهان ترا دیدم

انسانی مانند ترا، ای پری

تو حوری هستی، مکی هستی

یا فرشته بهشتی، پری؟

مرحم زخمهای من

درمان دردهایم، پری

پادشاه خوبانی

سرور زیباییانی، ای پری

چون پادشاه بر تخت نشسته

سلطنت می‌کنی ای پری

۴-۷- دیوانی (Divani):

شعر دیوانی نسبت به انواع دیگر شعر عاشیقی از قدمت بیشتری برخوردار است. این نوع شعر در تعداد بندها آزاد است و هر بند از چهار مصرع ۱۵ هجائی تشکیل می‌شود. گاه این مصرعها به علت طولانی بودنشان به دو قسمت تقسیم می‌شوند. مصرعهای اول، دوم و چهارم در بند اول هم قافیه و مصرع سوم آزاد است. بندهای بعدی مانند «قوشما» و «گرایلی» است. «دیوانی» نام چند آهنگ موسیقی عاشیقی نیز هست.

یک بند از یک نمونه شعر دیوانی:

دهلی کونول شروع ائبله ابتداه بسم‌الله

هرایش گورسن اول سوبله بود نیاده بسم‌الله

اوزوبیر دیر، آدی مین بیر لاشریک و لامکان

هاردا قالسان گردابده یئتر داده بسم‌الله

دل دیوانه از ابتدا با نام خدا شروع کن

هر کاری که می‌کنی اول بگو بسم‌الله

خودش یکی است و نامش هزار و یک، لاشریک و

لامکان است

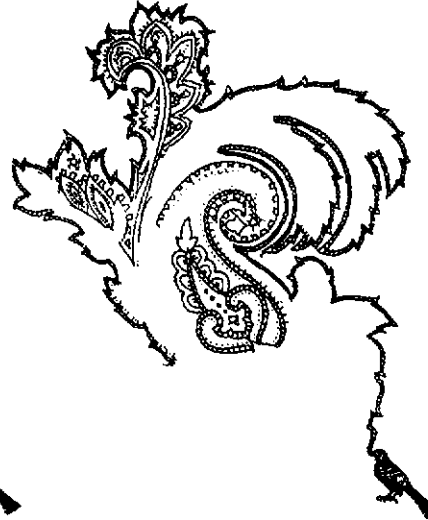
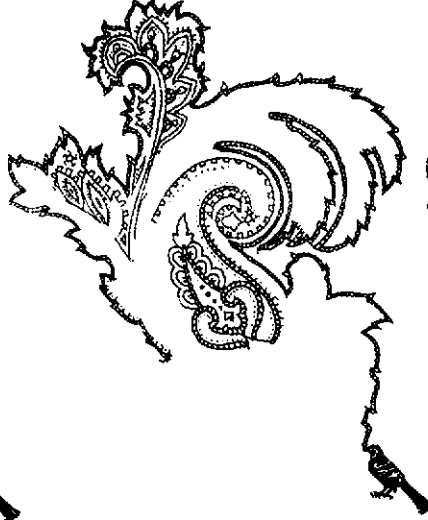
هرکجا در گرداب ماندی او به دادت می‌رسد

«عاشیق عزیز شهنازی»

۴-۸- تصنیف (Tasnif):

شعری است ساده، روشن، زیبا و شیرین. هر بند از چهار مصرع پنج هجائی (گاه از پنج مصرع چهار هجائی) تشکیل می‌شود. مضمون عمده آن تغزلی و لیریک است.

یک بند از یک نمونه شعر تصنیف:



آغلابیب گولم

می‌گیریم و می‌خندم

گوزیاشین سیللم

اشکهایم را پاک می‌کنم

قوریان کسلیلم

قربانی تو می‌شوم

سن بیزه کلسن

اگر به خانه ما بیایی

«ملاجعه»

۴-۹- قیامت احوالاتی (احوالات روز قیامت):

در این نوع شعر همچنانکه از نامش پیداست از حوادث و مسائل روز قیامت و محشر خبر داده می‌شود. بدکاران به کیفر و نیکوکاران به پاداش بشارت داده می‌شوند. عاشیق‌ها در این نوع شعر با کنایه و استعاره مردم را از آتش دوزخ می‌ترسانند و با زبان شیوای شعر آنان را به نیکوکاری، انجام فرائض دینی و پرهیز از اعمال زشت دعوت می‌کنند.

یک نمونه از این نوع شعر:

گناهکار بنده‌نی یاندیراجاق نار

مومنه دایاقدیر حی کردگار

لافتی شانینده گلدی ذوالفقار

علی‌نی‌ها میدان وجیه گورودو

بنده گناهکار در آتش خواهد سوخت

خداوند پشتیبان مومن است

لافتی در شان علی (ع) گفته شده

و علی زیبا تر از همه آمده است

«عاشیق قشم»

۴-۱۰- معراج‌نامه:

در این نوع شعر، عاشیق از معراج پیامبر اسلام (ص) صحبت می‌کند و شرح معراج حضرت محمد (ص) را به زبان شعر بازگو می‌کند.

یک نمونه از این نوع شعر:

امراولدو جبرئیل و ثردی ندانی

بسم‌الله ذکری ایله اولوندو خطاب

قرائت اولوندو رسول آلاها

معبود گوروشونه ائيله‌دی شتاب

از جانب خداوند به جبرئیل امر شد

تا بنام خدا، به پیامبر ندا دهد

که به دیدار معبود بشتابد

«عاشیق مناف»

۴-۱۱- وجودنامه:

این نوع شعر به شرح مراحل خلقت و زندگی انسان، دوران کودکی، جوانی و پیری می‌پردازد. یک بند از یک نمونه از این نوع شعر:

اصلی بنی آدمین وصفین سویله‌دیم

آتا وجودوندان گلدیم آتایا

آنا بندنینه قان اولدوم دوردوم

آنا جمل اولدو قالدی وداع‌یا

وصف بوجود آمدن یک انسان را بگویم

از وجود پدر به وجود مادر آمدم

در بدن مادر به خون تبدیل شدم

مادرم مرا حمل کرد

«عاشیق واله»

علاوه بر انواع گفته شده، شعر عاشیقی گونه‌های

مختلفی نیز چون: «ترسه حروفات» (Tarsa Hnurfat)،

«عددی دیوانی» (Adadia Divani)؛ «کولگه سیز»

(Kolgasiz)، «قاریندان چیخما» (Qarindan Cixma) و

غیره دارد.

منابع و ماخذ:

۱. الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۶۸). قرآن کریم. تهران:

سازمان تبلیغات اسلامی.

۲. اندیف، پاشا (۱۹۹۲). آذربایجان شفاهی خلق ادبیاتی.

پاکو: انتشارات معارف.

۳. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۵۶). نهج‌الفصاحه. تهران: جاوید.

۴. سفیدگر شهانقی، حمید (۱۳۷۶). «بررسی تاثیر معارف

دینی در ادبیات عاشیقی». تبریز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

استان آذربایجان شرقی، کمیسیون پژوهشی.

۵. شهنازی، عزیز (۱۳۶۹). بورتورباقلی یام. تبریز: ساحل.

۶. شهیدی، جعفر (۱۳۷۰). نهج‌البلاغه. تهران: شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی.

۷. صدیقی، امین. «صدای ساز تو ابری شد و گریه نشست».

فصلنامه شعر، شماره ۲۱.

۸. محمدی، جلال. «شعر بومی آذربایجان در یک نما».

فصلنامه شعر، شماره ۲۱.

۹. هیئت، جواد (۱۳۶۷). «آذربایجان شفاهی خلق ادبیاتی».

تهران: ضمیمه مجله و اریق.

## یادمان کمال

به منظور نکوداشت یاد و خاطره شاعر فرهیخته استاد احمد کمالپور «متخلص به کمال» اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان عصر روز شنبه نهم مهرماه اقدام به برپایی مجلس یادمان آن شاعر فقید نمود. در این مراسم که جمع کثیری از شاعران، مسؤولین فرهنگی، مسؤولان اجرایی، خانواده مرحوم کمال و علاقه‌مندان به شعر و ادب حضور داشتند ابتدا آیاتی از کلام‌الله مجید قرائت شد و در ادامه سرود جمهوری اسلامی ایران پخش گردید. پس از آن پیام مقام معظم رهبری توسط استاد صاحبکار قرائت گردید. متن کامل پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به این شرح است:

«گذشت تأسفانگیز شاعر اراده خراسان، دوست و همدل دهرین، آقای احمد کمال را به جامعه ادبی و به خصوص شاعران و هنرمندان آن دیار فرهنگ و ادب و نیز به خانواده و یارماندگان آن انسان شریف و مؤمن تسلیت عرض می‌نمایم.

مرحوم احمد کمال سخنسرای بزرگ و ارجمند بود که هم خلعت فاخر قصیده خراسانی به شخصیت انسانی او جلال و جمال بخشیده بود و هم خصال والایی او مایه آبرو و زینت شعر فارسی گشته بود. او مردی پاک‌سیرت، پارسا و پرهیزگار، اراده‌یابند نظر بود و گوهر شعر و هنر را به بازار سوداگری‌های مادی نبرد و قدر آن را نشکست. او زبان‌گویای خود را در خدمت پرگداشت ارزش‌های معنوی و دینی و نه اهانت به آن، به کار گرفت. او دلی مؤمن، روحی بردبار و مهربان، تنی متواضع و خاکسار و اندیشه‌ای پاک و تابناک داشت. او به‌لوانی فروتن و شاعری حق‌گو و هنرمندی دیندار بود. با شرافت و پاکدامنی زندگی کرد و پنا سربلندی و نیکنامی به دیندار حق شتافت. رحمت خدا بر او و گرمترین درودها بر نام و یاد او باد.»

پس از آن فیلم کوتاهی که توسط اداره سمعی و بصری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه شده بود به نمایش درآمد و در ادامه محقق نیشابوری مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان به ایراد سخن پرداخت.

پس از آن آقایان صاحبکار، نافرزاده و قهرمان به عنوان اعضای هیئت حلسه در جایگاه قرار گرفتند و استاد صاحبکار از سالاری دعوت نمود تا شعرش را قرائت نماید.

شکست بعضی من از وحشت جدایی‌ها

چه تلخ بود سوزنجام آشنایی‌ها

طریق عهد و وفا را کسی نمی‌داند

گسست رشته الفت ز بیوفایی‌ها.

